

مواردی واژه خوب مورد کاربرد و استعمال قرار می‌گیرد، بی‌آنکه معنای تحسینی در آنها مندرج باشد. در واقع او چنین کاربردهایی را از کاربردهای تحسینی و ارزشی معنای خوب، تفکیک می‌کند. مصادیق چنین کاربردهایی از نظر او کاربرد نقل قولی، و کاربرد قراردادی است (نک: همان: ۲۰۲-۲۰۰). که مجال توضیح آن، از حوصله این نوشتار خارج می‌باشد. علاوه بر این، هیر به این نکته دست می‌یابد که برخی از واژگان ارزشی غیر از واژه خوب، معنای توصیفی شان نسبت به معنای ارزشی شان مقدم است. «این واژه، عبارت است از واژه «منظم»<sup>۱</sup> و واژه «سخت‌کوش»<sup>۲</sup>. به طور معمول هر دو واژه برای تحسین به کار می‌رود، اما می‌توانیم بدون هیچ اشاره طنزآمیزی بگوییم «خیلی منظم» یا «خیلی سخت‌کوش».» (همان: ۱۹۷-۱۹۶).

### ۳-۲- نقد رویکرد هیر در تعریف واژه خوب

۳-۲-۱- استدلال هیر این است که اگر معنای اولیه «خوب» ثابت نبود، با عوض شدن معیارها، معنای «خوبی» هم تغییر می‌کرد؛ و چون چنین نیست؛ «خوب» یک معنای اولیه ثابت با نقش تحسینی دارد؛ و یک معنای ثانویه متغیر با معیار خاص؛ و دقیقاً به همین دلیل است که ما بدون دانستن معیار خاصی قادر به درک معنای «خوبی» هستیم.

این استدلال را می‌توان این‌گونه نقض نمود که این ویژگی که هیر برای واژه‌های ارزشی، نظیر «خوب» و «درست»، در نظر گرفته است در مورد واژه‌های غیرارزشی هم صادق است. برای مثال درباره واژه «بزرگ»-در کاربرد غیر ارزشی آن- که یک واژه توصیفی است نیز همین استدلال امکان دارد.

1- tidy  
2- industrious